

بہتر خدا

۱

اردو گاہ سہ کلمہ گاہ

چطور یک آنودی تی تی زد استر را بپکانیم؟

ہیو  
Hoopa



نویسنده: اعظم مہدوی  
تصویرگر: الہہ بہین



سرشناسه: اعظم، مهدوی، ۱۳۶۰ -  
عنوان و نام پدیدآور: چطور یک آنودی تی تی زد استر را بیکانیم؟/  
نویسنده اعظم مهدوی؛ تصویرگر الهه بهین.  
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۰.  
مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص: مصور.  
فروست: اردوگاه سه کله گاو؛ ۱.  
شابک: ۵-۴۳۰-۴-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸-۲ دوره: ۲-۴۹۹-۴-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸-۲  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: داستان‌های نوجوانان فارسی -- قرن ۱۴  
موضوع: Young adult fiction, Persian -- 20th century  
شناسه افزوده: بهین، الهه، ۱۳۵۸ - تصویرگر  
رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۶۱  
رده‌بندی دیویی: ۸۳۳/۶۲ [ج]  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۶۷۱۱۵۷



**هوپا**  
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.  
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰ info@hoopa.ir www.hoopa.ir  
همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.  
استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

# ۱ اردوگاه سه کله گاو

چطور یک آنودی تی تی زد استر را بیکانیم؟



نویسنده: اعظم مهدوی  
تصویرگر: الهه بهین  
ویراستار: سعیده کامرانی  
مدیر هنری: فرشاد رستمی  
طراح گرافیک: بهار یزدان‌سپاس - سندس حمیدیان  
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱  
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه  
شابک دوره: ۵-۴۳۰-۴-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸-۲  
شابک: ۲-۴۹۹-۴-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸-۲





در اردوگاه سه کله گاو، همه ی بچه ها با این صدا از خواب بیدار  
می شوند:



اما آن روز صبح، با این صدا بیدار شدند.



بعد همه‌ی آن‌هایی که بیدار شده بودند، از خوابگاه بیرون آمدند و به‌طرف صدا دویدند. (البته به اکتفا‌ترین شکل ممکن!)





آه گذاشتن بفوایم!



پیه؟ چه فیر شده؟



این صدای نازدونه، دزدونه،  
گلدونه است؟



دزد او مرده؟



کی می باشد؟



چطور یک آثودی تی تی رُد اِستر را بپکانیم؟ ■ ۱۵

صدا از جلوی درِ بزرگِ ورودی می‌آمد، یا بهتر است بگوییم از جلوی  
خانه‌ی خانم ترشکوا. خانم ترشکوا شده بود مثل ذرتی که روی  
آتش **جلزووِلن** کند. بره‌شلویش هم همین‌طور.





نازان چشم‌هایش را مالید و گفت: «چه خبر شده است، خانم ترشکوا؟  
چرا پیرپیر می‌کنی؟»

خانم ترشکوا که حالا لبخند گنده‌اش شبیه خنده‌ی گرگِ خوش‌حال  
به گله رسیده‌ای بود، گفت: «**مسابقه‌ی اس‌ام‌اسی!** مسابقه‌ی  
اس‌ام‌اسی!» و خواند:

ستاره مربع سه سه دایره = هایزه!  
ستاره مربع سه سه دایره = هایزه!

اردی رفت جلو، رو به ماشین چشم‌هایش را ریز کرد و گفت: «آ  
پسرررر!!! این‌که آئودی تی تی رُد اِستره!»  
سوسی خمیازه‌ای کشید و گفت: «آئودی چی چی؟»  
نی‌شکر گفت: «می‌گه: "آئودی تی تی رُد اِستره!"»  
نی‌پیچ چرخی زد و گفت: «**چه زنده!!!**»

نازان روسری‌اش را زیر گلوش سفت کرد و گفت: «اصلاً چه فرق  
می‌کند آئوده پی پی باشد؟! من فواستم بدانم ترشکوا  
پرا پیرپیر می‌کند؟!»

خانم ترشکوا همین‌طور که دور ماشین می‌دوید، داد زد: «سلام!  
سلام! چه روز قشنگی! چه آسمون رصخورِ نازی! چه ابرهای  
گردآلویی! **سلام! سلام!**»



چطور یک آثودی تی تی رُد اِستر را بیکانیم؟ ■ ۱۹

باز هم کسی جواب نازان را نداد. اردی رفت جلو تا به ماشین نگاهی بیندازد، اما نتوانست، چون بره شلو و خانم ترشکوا مثل زنبورگزیده‌ها فیش فیش دور ماشین می‌دویدند. برای همین بین آن‌ها گیر کرد...

# و بیژژژژ

